



۲۰۲۲/۰۴/۰۳



احسان الله مایار

یادی از ولی جان ما

دو روز قبل پیام سفر باز نگشتنی ولی جان را گرفتم و با خود بیت حافظ را زمزمه کردم که میگوید:

عیان نشد که چرا آمدم کجا رفتم
دریغ و درد که غافل ز کار خویشتم

بلی ولی جان نیز رفت لیک از خود نشانه های روی زمین به زنده ها گذاشت که در رأس آن عشقش به زادگاهش، افغانستانش و لسان زیبای دری کشور کوهستانیاش مانند روانش تا آخرین لحظه وی را همراهی میکرد. من که با خواهر زاده ولی جان، حفیظه پیوند زیبای زندگی را بنیاد گذاشته و به گفته روانشاد اسحق نگارگر "اندیوال" خود در نشیب و فراز چند روزگی بودوباش روی زمین دارم بایست پیام فوت مامای دوستداشتنی وی را برایش میرساندم.

به خواهر زاده ولی جان رو آورده گفتم: امروز خبر ناخوشی برایت داشته و اضافه کردم که ماما ولی فوت کرد! حفیظ که در چشمان سالخورده اش آثار اندوه هویدا گردید بعد از کوتاه مکثی با صدای ملایم گفت: خدا ببخشیش و اضافه کرد خدا کند کسی در آخرین نفسش کلمه را به زبانش داده باشد. با اظهار این دو جمله ساده از زبان یک فرد از خانواده آخرین صفحه زندگی کمی بیش از ۸۹ سال زندگی ولی جان برای ابد بسته شد.



ولی جان به سفری رفت که بازگشتنی ندارد و مانند وی ده ها دوست دیگرم مانند وی را شاهد سفر شان هستم تا نوبت به خودم برسد و از آن روز ترس ندارم. چند تصویری از گذشته ها را ته و بالا کردم و یکی آنرا انتخاب کردم که آنرا از نظر تان میگذرانم.

از راست به چپ: محبوب الله عضدسراج، پوهاند

محمدنادر عمر، ولی احمد نوری- شخص ناشناس- بنده - سلطانمحمود غازی و همایون شاه آصفی- در کنفرانس بین الافغانی در ویسینگ. از دوستان مشترک ما، محبوب جان، نادرخان، سلطان جان و دو روز قبل ولی جان به ابدیت پیوستند و تنها همایون جان و من زنده هستیم تا نوبت برسد. و این است درسی از مکتب زندگی.

در اخير ار طرف همه به ژنين جان همسر ولى جان به سبرين جان و الياس، منصور و ايمان، صبيه، داماد و نواسه ها و ژريا جان تسليت داده روان ولى جان را فرخنده و شاد در باغ سبز و خرم التجاء ميکنم.



برای مطالب ديگر احسان الله مايار روى عكس كليك كنيد

